

Humor during Crisis; an Examination over Humor related to covid-19 disease based on General Theory of Verbal Humor

Vahid Tavoli 

Ph.D. Student, Linguistics, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Shahram Modarres Khiabani * 

Assistant Professor, Department of English Teaching and Translation, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Bahram Modarresi 

Assistant Professor, Department of Linguistics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farideh Mohseni Hanji 

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Rudaki is one of the poets whose poetry collection has not been found and the The present paper has been written to examine the jokes about the outbreak of Covid-19 which have been circulated in the social media. Linguistic and discursal analysis of these types of jokes which are sociolinguistically called "disaster jokes", could contribute to elaborating different aspects of this social phenomenon as a means to show the public culture in the socio-cultural framework of the society. The data of the present paper includes over 100 Covid-19 related jokes which have been collected from the virtual networks and some applications such as telegram and whatsapp within 90days from February to May 2020 made and circulated in Iran. The present data in this paper have been analysed and examined based on general theory of verbal humour and xi2 test. Having examined the existing data in this paper, the authors found a meaningful relationship between "Logical Mechanism" and "Script Opposition" as two main knowledge sources. Furthermore, examining the present data depicts that the political, religion, critical and sexual issues have been linked to these jokes to form humour and irony; accordingly, these jokes can be classified under political, religious, sexual, ethic and neutral categories. In addition, a meaningful relationship between these jokes and script opposition can be taken into consideration.


Keywords: jokes, sociolinguistics, cognitive linguistics, humour, General Theory of Verbal Humour.

* Corresponding Author: shmodarress@yahoo.com


How to Cite: Tavoli, V., Modarres Khiabani, Sh., Modarresi, B., Mohseni Hanji, F. (2021). Humor during Crisis; an Examination over Humor related to covid-19 disease based on General Theory of Verbal Humori. *Language Science*, Corona Special Letter, Vol. 8, 31-56. Doi: 10.22054/ls.2020.53580.1354

طنز در دوره بحران؛ طنزهای مربوط به بیماری کووید ۱۹ از منظر نظریه عمومی طنز کلامی


دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

وحدید طاوولی 


استادیار گروه آموزش و مترجمی زبان انگلیسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

شهرام مدرس خیابانی 

استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بهرام مدرسی 

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

فریده محسنی هنجی 

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی جوک‌هایی که درباره بیماری کووید ۱۹ در شبکه‌های مجازی انتشار یافته‌اند انجام شده است. بررسی زبان‌شناختی و گفتمانی این نوع جوک‌ها، که در تحلیل‌های زبان‌شناسی اجتماعی از آنها با عنوان «جوک‌های فاجعه» یاد می‌شود، می‌تواند باعث روشن شدن ابعاد مختلف این پدیده اجتماعی به عنوان یکی از ابزارهای نشان‌دهنده فرهنگ عامه و بستر اجتماعی-فرهنگی جامعه باشد. داده‌های پژوهش حاضر را بیش از ۱۰۰ جوک مرتبط با ویروس کووید ۱۹ تشکیل می‌دهد که در شبکه‌های مجازی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان، مانند تلگرام و واتس‌آپ، در بازه زمانی ۹۰ روزه از اسفند ۱۳۹۸ تا اردیبهشت ۱۳۹۹، در ایران ساخته و منتشر شده‌اند. داده‌های پژوهش از منظر نظریه عمومی طنز کلامی و براساس آزمون‌های ۲ تحلیل شده است. یکی از اهداف اصلی این پژوهش عبارت است از شناسایی تأثیرگذارترین منابع دانش، از میان منابع شش‌گانه مطرح‌شده در نظریه عمومی طنز کلامی. با بررسی‌های صورت‌گرفته در پژوهش حاضر، مشخص شد که بین منابع دانش «تقابل انگاره» و «سازوکار منطقی» رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین، بررسی داده‌ها حاکی از آن است که دغدغه‌های سیاسی، انتقادی، مذهبی-اعتقادی و جنسیتی به این حادثه ارتباط داده شده و در قالب طنز و کنایه مطرح شده است. براین اساس، می‌توان جوک‌ها را به سیاسی، مذهبی، جنسی، قومیتی و خنثی طبقه‌بندی کرد. همچنین، بین این نوع جوک‌ها و تقابل انگاره می‌توان رابطه معناداری متصور شد.

کلیدواژه‌ها: جوک، زبان‌شناسی اجتماعی، زبان‌شناسی شناختی، طنز، نظریه عمومی طنز کلامی.

- مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته زبان‌شناسی همگانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب است.

* نویسنده مسئول: shmodarress@yahoo.com

۱. مقدمه

در پی بحران دنیاگیر بیماری کووید ۱۹ در نقاط مختلف جهان، شیوع ویروس کووید ۱۹ در ایران، به صورت رسمی، در ۳۰ بهمن ۱۳۹۸ تأیید شد.^۱ در زمان اوج گیری این ویروس در بهمن و اسفند ۱۳۹۸ در ایران، در فضای مجازی، به ویژه در نرم افزارهای پیام رسان پرمخاطب همچون واتس اپ و تلگرام، علاوه بر بیان همدردی با کسانی که عزیزانشان را از دست داده اند و انتشار اخبار گوناگون درباره موضوع کووید ۱۹، قطعه های طنز در قالب جوک، لطیفه، عکس و فایل های صوتی و تصویری نیز از این همه گیری ساخته و منتشر شد. شبکه های اجتماعی، به علت ماهیت جذب کننده و فراگیر خود، نقشی مؤثر در ایجاد، تثبیت و عادی سازی انگاره های ذهنی و باورها در قالب جوک ها دارند.

دیویس^۲ (۲۰۰۳: ۳۳) معتقد است که جوک های فاجعه^۳ محصول چیرگی اشکال جدیدی از ارتباطات الکترونیکی در دهه های پایانی قرن بیستم اند که غالباً در فاصله کوتاهی از رسانه ای شدن حوادث طبیعی همچون سیل و زلزله و حوادث غیرطبیعی همچون حملات تروریستی، سقوط هواپیما، ترور و یا مرگ افراد مشهور شکل می گیرند و ترکیبی از تراژدی و طنز هستند. در این نوع جوک ها، با استفاده از لحن محاوره ای و سبک عامیانه و کوچه بازاری، غالباً امر جدی به سخره گرفته می شود و گاه، جدیت فرهنگ رسمی، همراه با نیشخند، مورد نقد قرار می گیرد (تریتی و مهدوی، ۱۳۹۷: ۱۱۸). این جوک ها، فارغ از اینکه دقیقاً توسط چه افرادی تولید، اصلاح، تغییر و منتشر می شوند، «برساخت اجتماعی مردمان» و حامل معانی فراوانی برای مخاطبان اند و کارکردهای اجتماعی متعددی دارند (زارع پور، ۱۳۹۵: ۱). این گونه پیام های طنزآمیز، که از فرهنگ عامه و بستر اجتماعی و فرهنگی جامعه برخاسته و متأثر از آن است (فرقانی و عبدی، ۱۳۹۵: ۳۲)، دارای درون مایه های ایدئولوژیک، سیاسی و حتی عقیدتی اند (Mifdal, 2016: 33). از این رو، گفتمان جوک های فاجعه به مطالعاتی وسیع در حوزه های علمی متعدد همچون

۱. متن خبر رسمی در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۸ در خبرگزاری فارس <http://fna.ir/df0zxm>

2. Davies, Ch.

3. disaster jokes

جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، پدیدارشناسی و بررسی فرهنگ عامه نیاز دارد (پارسائیان، ۱۳۹۸: ۲۸۵-۳۱۶).

در پژوهش حاضر، با گردآوری بیش از ۱۰۰ جوک مرتبط با همه‌گیری ویروس کووید ۱۹، که از نخستین روزهای شیوع بیماری (بهمن و اسفندماه ۱۳۹۸) در شبکه‌های مجازی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان تلفن همراه هوشمند مانند تلگرام و واتس‌آپ، ساخته و منتشر شده‌اند، به بررسی درون‌مایه این جوک‌ها پرداخته می‌شود. بررسی محتوای جوک‌های گردآوری شده حاکی از آن است که موضوعات، دغدغه‌ها و شبهه‌های سیاسی-انتقادی، مذهبی-اعتقادی و جنسیتی به این حادثه ارتباط داده شده و در قالب طنز، هجو، کنایه و گاه توهین و استهزا مطرح شده‌اند. به عبارتی دیگر، ویروس کووید ۱۹ دستاویزی را برای پیش‌کشیدن مسائل اجتماعی، سیاسی و عقیدتی متعددی فراهم آورده است. در این پژوهش این نکته مطرح می‌شود که شبکه‌های مجازی، خصوصاً کانال‌های سرگرمی، به علت ماهیت جذب‌کننده و فراگیر خود، نقشی مؤثر در ایجاد، تثبیت و عادی‌سازی انگاره‌های ذهنی و باورها در قالب جوک و هجو دارند. این دست جوک‌ها غالباً حیاتی کوتاه‌مدت دارند؛ اما بیان مسائل اجتماعی، سیاسی و مذهبی در ژانر طنز با کارکردها و کژکار کردهایی همراه است و بی‌شک، اندیشه‌هایی را بنا می‌گذارد که در طولانی‌مدت، اثراتی مثبت یا منفی بر افکار جامعه بر جای خواهند گذاشت.

۲. پیشینه پژوهش

طنز، تاریخی به درازای تاریخ بشر دارد. آتاردو^۱ (۲۰۰۸: ۱۲۰) معتقد است که سرآغاز تحلیل‌های طنز به افلاطون و ارسطو بازمی‌گردد. اندیشمندان، در ابتدا، بیشتر بر فاعل این متون طنز آمیز توجه می‌کردند؛ اما رفته‌رفته، نظریه‌پردازان نیمه دوم سده بیستم تلاش بسیار کردند تا هم طنز را در یک قالب مفهومی تعریف کنند و هم نظریه‌ای مرتبط با آن بیافرینند. در نهایت، نظریه‌پردازی به نام راسکین^۲ باعث شد این تلاش‌ها به ثمر بنشیند و در نتیجه، نظریه «انگاره معنایی طنز»^۳ پدید آمد. راسکین، در سال ۱۹۸۵، این رویکرد را از زاویه دیگری

1. Attardo, S.
2. Raskin, V.
3. Semantic-Script Theory of Humor

مطرح کرد که براساس آن، ابهام و تناقض در واژگان و قواعد ترکیبی مبنای ایجاد طنز به حساب می‌آمدند. پس از راسکین، نظریه‌های دیگری مطرح شد. سه نظریه مشهور در این باب، به ترتیب، نظریه عدم تجانس^۱، نظریه تخطی از اصل ارتباط^۲ و نظریه عمومی طنز کلامی^۳ هستند (Attardo, 2008: 424; Attardo, 2005: 417).

نظریه عمومی طنز کلامی و نظریه انگاره معنایی طنز معتبرترین نظریه‌های زبان‌شناختی طنز در دو دهه گذشته قلمداد می‌شوند (Brône et al., 2006: 203). نظریه عمومی طنز کلامی، برای اولین بار، با انتشار اثر آتاردو و راسکین در سال ۱۹۹۱ مطرح شد. در سال ۱۹۹۳، راسکین و آتاردو به همراه روچ^۴، در یک پژوهش، به صورت تجربی، برخی از پیش‌بینی‌های نظریه عمومی طنز کلامی را ثابت کردند (Ruch et al., 1993). در نهایت، در سال ۲۰۰۱، آتاردو، به صورت انفرادی، اثری را منتشر کرد که در آن، محدوده نظریه عمومی طنز کلامی را به تمامی انواع متن‌ها گسترش داد. نظریه عمومی طنز کلامی فرم گسترش‌یافته نظریه انگاره معنایی راسکین (۱۹۸۵) است؛ علاوه بر این، نظریه عمومی طنز کلامی بخشی از طبقه‌بندی^۵ ارتباطات متنی آتاردو را شکل می‌دهد. در طبقه‌بندی آتاردو، جوک‌ها یا انواع دیگر متن می‌توانند از ارتباط با متن‌های دیگر، براساس عنصر شباهت در سطح متنی، بهره ببرند. این یافته، بعدها، به عنوان بخشی از اثر آتاردو (۲۰۰۱) منتشر شد. این آثار توصیف‌کننده متن‌های «معیار» در نظریه عمومی طنز کلامی‌اند. در مقاله‌های دیگر، به خصوص با همکاری همپل من^۶ و نیز در آثار انفرادی وی، نظریه عمومی طنز کلامی، به طور ملموس‌تری، بسط یافت.

نظریه عمومی طنز کلامی، به دلایل شفافی، از جمله سهولت در جمع‌آوری و بررسی داده‌ها، تمرکز خود را بر جوک‌ها به عنوان نمونه قرار می‌دهد. واژه «عمومی»، به این امر ارجاع دارد که برخلاف نظریه انگاره معنایی که مطلقاً بر پایه موضوع «معنی» است، نظریه عمومی طنز کلامی اطلاعات دیگری در سطوح واجی، ساختواری و غیره (در یکی از منابع

-
1. incongruity
 2. non-cooperative principle
 3. General Theory of Verbal Humor (GTVH)
 4. Ruch, W.
 5. taxonomy
 6. Hempelmann, Ch.

دانش با عنوان «زبان»^۱، اطلاعات جامعه‌شناختی (در یکی از منابع دانش با عنوان «هدف»^۲)، اطلاعات شناختی (در قالب منبع دانشی با عنوان «سازوکار منطقی»^۳) و موضوعات دیگری را در بر می‌گیرد. آتاردو (۲۰۰۱)، به‌روشنی، گستره این نظریه را شامل اشکال مختلفی از متن می‌داند که به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده، تمام انواع متن به‌همراه متون غیرزبانی را در بر دارد؛ با این حال، بسیاری به‌اشتباه این دسته‌بندی را به این معنی می‌پندارند که نظریه عمومی طنز کلامی صرفاً به جوک‌ها محدود می‌شود.

پژوهشگران ایرانی نیز از دیدگاه‌های مختلف به مطالعه طنز پرداخته‌اند که با توجه به موضوع این پژوهش، به برخی از آنها، که به تحلیل جوک و یا به کار بست نظریه عمومی طنز پرداخته‌اند، اشاره خواهیم کرد.

کرامتی یزدی (۱۳۸۸) به توصیف و بررسی طنز در مطبوعات زبان فارسی، از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۸۸، براساس رویکردهای کاربردشناختی پرداخته است. او در این پژوهش، برای تحلیل جوک‌های مطبوعاتی از نظریه انگاره معنایی طنز راسکین، برای تحلیل متون منثور طنز از نظریه عمومی طنز کلامی و برای تحلیل متون مکالمه‌ای طنز از اصل عدم همکاری استفاده کرده است.

محرابی و مدرس خیابانی (۱۳۹۱)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی عوامل زبانی مؤثر در شکل‌گیری طنز کلامی»، ضمن مشخص کردن ویژگی‌های واژگانی طنز کلامی در جوک‌های پیامکی، به طبقه‌بندی انواع این نوع جوک براساس الگوی لیو^۴ پرداختند. شریعت‌پناه (۱۳۹۲) به تحلیل گفتمان و غوغ ساهاب بر پایه نظریه عمومی طنز کلامی و رویکرد اجتماعی-شناختی ون دایک^۵ پرداخته است. وی در پژوهش خود، مشخص کرد که از میان شش متغیر اصلی در نظریه عمومی طنز کلامی، دو متغیر زبان و هدف نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری طنز ایفا کرده‌اند.

بای (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان «مقایسه نظریه‌های طنز زبان‌شناسی در طنز مطبوعاتی ایران»، با استفاده از منابع دانشی نظیر تقابل انگاره، هدف، موقعیت، زبان و شیوه

1. language
2. target
3. logical mechanism
4. Lew, R.
5. Van Dijk

روایت، به بررسی و مقایسه نظریه طنز انگاره معنایی راسکین و نظریه عمومی طنز کلامی راسکین و آتاردو، به منظور تعیین قدرت تبیین آنها، پرداخت و به طور موردی، آنها را بر داده‌های طنزهای مطبوعاتی منتشر شده در دهه ۸۰ شمسی کشورمان به کار بست. در ادامه، وی مدعی شد که براساس این پژوهش، نظریه عمومی طنز کلامی توانایی بیشتری در توضیح طنز آمیز بودن متون دارد، زیرا از عناصر و متغیرهای متنوع‌تر و دقیق‌تری برای شناسایی عنصر طنز بهره می‌برد و نظریه طنز انگاره معنایی، به دلیل سازو کار وقت گیر و بدون حدود مرز خود، و همچنین به خاطر منابع دانش کمتری که استفاده می‌کند، چندان در توضیح متون طنز کارایی ندارد.

نظریه انگاره معنایی طنز به رغم مزایای بسیارش نسبت به سایر نظریه‌های زبان‌شناختی دیگر دارای ایرادهایی بود. به همین دلیل، نظریه عمومی طنز کلامی با هدف رفع این ایرادها مطرح شد. اول آنکه نظریه انگاره معنایی طنز تمایزی میان طنز کلامی و طنز ارجاعی^۱ (به بیان ساده‌تر، میان جناس‌ها و غیرجناس‌ها) قائل نمی‌شود. این مشاهدات در قلمرو نظریه انگاره معنایی طنز صحیح است، چرا که جوک‌های کلامی و ارجاعی، هر دو، از تقابل انگاره و هم‌پوشی بهره می‌جویند؛ در حالی که جوک‌های کلامی ممکن است براساس ارتباط میان منبع آن‌ها و الگوهای خاص دلالت، طبقه‌بندی شوند (اشکال واجی، ساختواژی، نحوی و صورت‌های دیگری از گفتار). این الگوها در جوک‌های ارجاعی دیده نمی‌شوند. در نتیجه، نظریه انگاره معنایی طنز یک تعمیم (یک نگاه کلی) بالقوه را نادیده می‌گیرد (Attardo, 2017: 126).

دوم اینکه ارتباط معنادار و مشابهی میان برخی جوک‌ها وجود دارد، به طوری که گویی از الگوی یکسانی پیروی می‌کنند. نظریه عمومی طنز کلامی، با تأکید بیشتر بر نکته دوم، یعنی بررسی الگوهای یکسان شکل‌دهنده جوک‌ها و همچنین، مورد اول، یعنی ارتباط میان منابع دانش و الگوهای خاص، به وجود آمد. این راه حل، با معرفی پنج پارامتر دیگر به همراه تقابل انگاره، به شش منبع دانش دست یافت. اینکه منابع دانش می‌بایست شش مورد باشد و نه بیشتر، به صورت تجربی کاملاً تأیید می‌شود. به بیان ساده‌تر، برای دستیابی به الگوی تبیین‌کننده شباهت جوک‌ها و بیان تفاوت‌های میان جناس‌ها و غیرجناس‌ها، فقط به این شش

1. referential

منبع دانش نیاز است؛ بنابراین، ادعای اصلی نظریه عمومی طنز کلامی بیان امکان شباهت میان جوک‌ها در قالب شش پارامتر مذکور است. این پارامترها منابعی هستند که برای هر شخصی که قدرت خلق یک جوک کاملاً تازه و جدید را دارد، قابل استفاده‌اند. به همین منظور، عنوان منابع دانش^۱ برای این منابع انتخاب شد. مقاله آتاردو و راسکین (۱۹۹۱)، به دلیل حجم و پیچیدگی زیاد، چندان خوش‌نام نیست؛ اما باید اذعان داشت که دلیل اصلی این حجم زیاد و پیچیدگی، بررسی کردن مشاهدات تبیین‌کننده بی‌نظم نبودن منابع دانش در چینش آن‌هاست. در واقع، منابع دانش به صورت سلسله‌مراتبی سازمان‌دهی شده‌اند که براساس جدول زیر ارائه می‌شوند (Attardo & Raskin, 1991: 127).

جدول ۱. سلسله‌مراتب منابع دانش

فارسی	انگلیسی
تقابل انگاره	script oppition
سازوکار منطقی	logical mechanism
موقعیت	situation
هدف	target
روش بیان	narrative strategy
زبان	language

۲-۱. زبان

منبع دانش «زبان»، در پایین‌ترین سطح، شامل توصیفی کامل از متن براساس معیارهای واج‌شناختی، ساختوازی، نحوی و واژگانی است. همچنین، «زبان» اطلاعات آماری درباره فراوانی وقوع واحدهای زبانی را هم در بر می‌گیرد (به‌عنوان نمونه، واج‌ها و خوشه‌های واجی و فراوانی وقوع تکواژها و ترکیبات آن‌ها). در ادامه، سعی خواهیم کرد تا با ارائه چند نمونه، نقش معیارهای «واج‌شناختی»، «ساختوازی» و «نحوی» را در ایجاد ابهام و طنز بیان کنیم.

برخی از جناس‌ها مبتنی بر ابهامات ساختوازی هستند، مانند نمونه زیر:

1) Teacher strikes idle kids.

1. knowledge resources

همان‌طور که اُکس^۱ (۲۰۱۰: ۹۷) اشاره می‌کند، پسوند [-s] پس از تکواژ /strike/ باعث ایجاد ابهام میان علامت نشانگر سوم‌شخص مفرد در زمان حال ساده و علامت نشانگر جمع می‌شود که متعاقباً به خلق دو خوانش متضاد می‌انجامد؛ «برخوردهای معلم باعث می‌شود بچه‌ها تنبل شوند» و یا «معلم بچه‌هایی که تنبل و سست هستند را تنبیه می‌کند». توجه داشته باشید که واژه «idle»، به لحاظ نقش دستوری، باعث ایجاد ابهام می‌شود (به ترتیب، فعل در برابر صفت)؛ یک تعبیر اشاره به «یک معلم» می‌کند و تعبیر دیگر به واژه «معلم» مفهوم جمع می‌بخشد.

۲-۲. نحوه بیان

«نحوه بیان» در نسخه ابتدایی نظریه عمومی طنز کلامی، گستره محدودی را در بر داشت، چراکه جوک‌های مورد بررسی غالباً متن‌های ساده و کوتاهی داشتند و ساختار «پرسش/ پاسخ» یا «زنجیره سه‌بخشی» را در بر می‌گرفتند. برای تعیین ساختار نحوه بیان جوک، از شیوه درج A و B استفاده می‌شود. A به بخش ابتدایی جوک، که زمینه‌ساز جوک است، اطلاق می‌شود و B به «نقطه اوج» آن اشاره دارد. در مثال زیر، بخش‌های A و B مشخص شده‌اند:

2) { A woman walks in a store and says to the clerk:
"I'd like to try the red dress in the window." } [A]
{ And the clerk says: "But, ma'am, we have dressing rooms for that". } [B]

رُزین و همکاران^۲ (۲۰۰۶)، در پژوهش خود که پیکره‌ای شامل ۱۱۵۷ جوک را در بر داشت، دریافته‌اند که ۷۲/۲٪ از جوک‌ها از الگوی AAB تبعیت می‌کردند، در حالی که ۲۰٪ نشانگر الگوی AB بودند (تقابل ساده) و حدود ۷/۳٪ از الگوی AAAB پیروی می‌کردند.

1. Oaks, D. D.

2. Rozin, P. et al.

۲-۳. هدف

منبع دانش «هدف» احتمالاً کمترین پیچیدگی را دارد و به راحتی درک می‌شود. در واقع، این نوع از منبع دانش بیان می‌دارد که اغلب جوک‌ها دارای هجماه‌ای هستند و این هجماه به سوی هدفی نشانه گرفته می‌شود. اهداف عموماً انسان و یا فعالیتی مرتبط به انسان، مانند سازمان‌ها، عقاید، رفتارها، اعمال و غیره است.

۲-۴. موقعیت

موقعیت^۱ دربردارنده انگاره کلان است و توصیفگر زمینه‌ای است که در آن، اتفاقات متن جوک رخ می‌دهد. «موقعیت» هیچ ارتباطی با بافت بیان جوک ندارد؛ بنابراین، اگر جوک با یک [کنشگر] که وارد فروشگاه پوشاک می‌شود، آغاز شود، محدوده عملکرد معنایی شامل همه اطلاعات موجود در فروشگاه پوشاک است؛ این اطلاعات باعث فعال شدن انگاره‌ای برای «فروشگاه پوشاک» می‌شود و تمامی اتفاقات ذکر شده در متن به این انگاره ارتباط می‌یابد.

۲-۵. سازوکار منطقی

سازوکار منطقی بخشی از نظریه طنز کلامی است که به شفاف‌سازی عدم‌تجانس در تقابل انگاره‌های معنایی می‌پردازد. درحقیقت، این شفاف‌سازی به صورت کامل و واقعی صورت نمی‌گیرد و به صورت نسبی، همراه با شیطنت و شوخی رخ می‌دهد. درواقع، سازوکار منطقی، خود، می‌تواند عدم‌تجانس‌های دیگری را پدید آورد.

به بیان ساده‌تر، سازوکار منطقی تلاش متن برای توضیح و توجیه عدم‌تجانس است، البته همان‌طور که ذکر شد، نه به صورت کامل و جدی، بلکه به طرز شیطنت‌آمیز و غیرجدی. جوک زیر را در نظر بگیرید:

- 3) Three kids are bragging about their fathers. "My father is the fastest, says the first kid; he can run a mile in 4 minutes."
"That's nothing, says the second; my father can run a mile in 3 minutes."

1. situation

"You don't understand what fast means, says the third one; my father's work ends at five and he's home by 3:45."

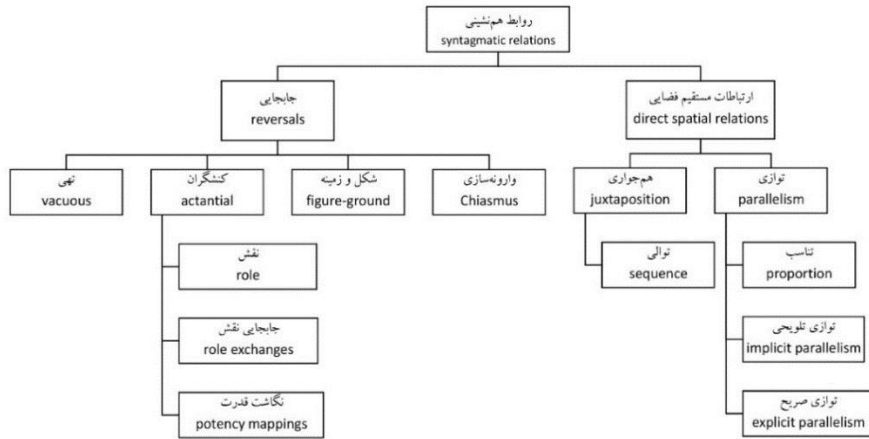
سه تا بیچه در حال پز دادن به پدرهاشون بودند. بیچه اول می‌گه: «پدر من سریع‌ترین؛ اون می‌تونه ۴ دقیقه‌ای یک مایل بدوه». بیچه دوم می‌گه: «اینکه چیزی نیست، پدر من می‌تونه یک مایل رو توی ۳ دقیقه بره». بیچه سوم می‌گه: «شما معنی سریع رو اصلاً نمی‌دونید، کار پدر من ساعت ۵ تموم می‌شه ولی پدر من ساعت ۳:۴۵ دقیقه خونه‌ست».

در مثال بالا، سازوکار منطقی به این صورت است: در صورتی که زمان کوتاه‌تر به معنی سرعت بالاتر باشد، در نتیجه زمان منفی (روبه‌عقب) به معنای حتی سریع‌تر است؛ بنابراین، از آنجا که پدر بیچه سوم یک ساعت و ربع زودتر از زمان اتمام کار به خانه می‌رسد، او می‌بایست بی‌نهایت سریع باشد. البته واضح و مبرهن است که مسیر استنباطی دیگری نیز قابل‌اتخاذ است و آن این است که پدر بیچه سوم زودتر از زمان پایان کار به خانه می‌رسد، به خاطر اینکه تعهد در کار ندارد و به‌اندازه یک ساعت و ربع، سر کارفرمای خود کلاه می‌گذارد. باید در نظر داشت که چگونه این شفاف‌سازی (زمان کوتاه‌تر به معنی سرعت بالاتر و در نتیجه، زمان منفی حتی سریع‌تر از آن) به صورت ناتمام و با شوخ‌طبعی صورت گرفته است.

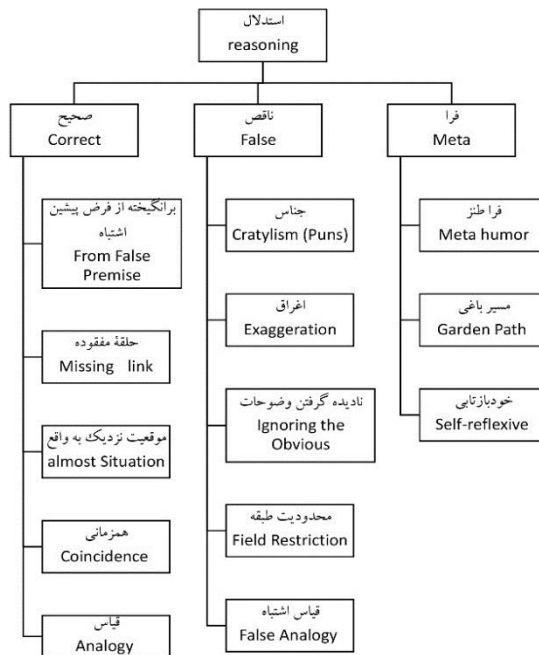
پژوهش‌های متعددی درباره سازوکار منطقی انجام شده است که فهرستی بلند با طبقه‌بندی متنوع را در بر می‌گیرد. از آن میان، می‌توان به آثار آتاردو و همکاران (۲۰۰۲) و همپل من و آتاردو (۲۰۱۱) اشاره کرد.

در نمودار زیر، فهرست آتاردو و همکاران (۲۰۰۲)، که کامل‌ترین منبع در این حوزه است، نمایش داده می‌شود:

نمودار ۱. سازوکارهای منطقی بخش «ارتباط‌های همنشینی»



نمودار ۲. سازوکارهای منطقی بخش «استدلال»



۶.۲. تقابل انگاره

راسکین (۱۹۸۵) تمامی تقابل‌های انگاره را به سه سطح حداکثری تقابل شامل «خوب/بد»، «هنجار/ غیرهنجار»، «واقعی/ غیرواقعی» کاهش می‌دهد و به همین دلیل، بسیاری از پژوهشگران دچار سردرگمی می‌شوند.

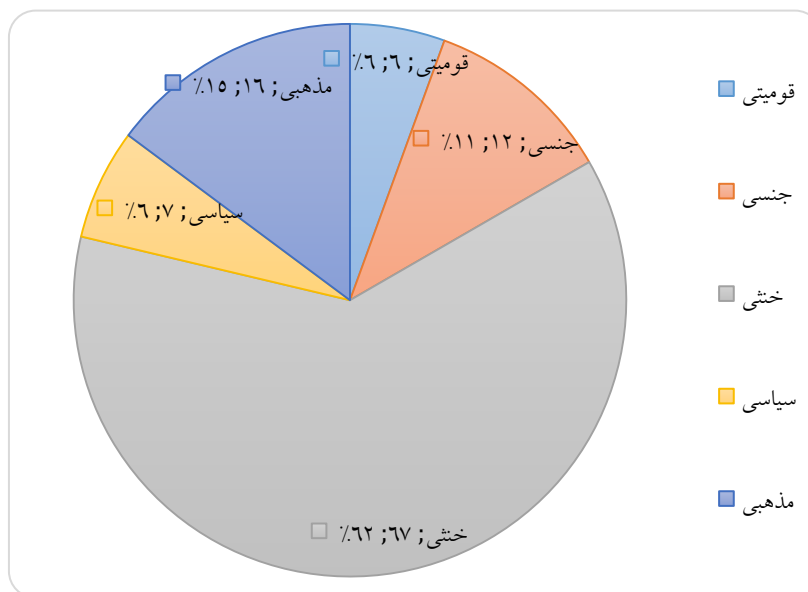
دی مایو^۱ (۲۰۰۰)، در رسالهٔ دکتری خود، به معرفی سطح سوم از انتزاعات در تقابل انگاره می‌پردازد که شامل مسائل «جنسی/ غیرجنسی» و «مزخرفات/ غیرمزخرفات» است. این اطلاعات مورد استفادهٔ آتاردو و همکاران (۲۰۰۲) قرار گرفت و به‌عنوان پلی میان نمونه‌های انتزاعی در متن و تقابل‌های بسیار انتزاعی لحاظ شد.

۳. جمع‌آوری داده‌ها و روش پژوهش

در این بخش به تحلیل داده‌های پژوهش که شامل ۱۰۸ جوک است، می‌پردازیم. داده‌های پژوهش حاضر، از میان جوک‌های زبان فارسی با محوریت موضوع ویروس کووید ۱۹، از شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای پیام‌رسان تلگرام، واتس‌آپ و اینستاگرام، در بازهٔ زمانی اسفند ۹۸ تا پایان اردیبهشت ۹۹ جمع‌آوری شده است. پس از درج جوک‌ها در نرم‌افزار اکسل، نوع آنها از نظر بافت کلامی تعیین و به انواع «خنثی»، «سیاسی»، «مذهبی»، «قومیتی» و «جنسی» تقسیم شد. در نمودار (۳)، فروانی هریک از این نوع جوک‌ها نشان داده شده است:

1. Di Maio, S.

نمودار ۳. فراوانی جوک‌ها از نظر بافت کلامی



داده‌های پژوهش، براساس منابع شش‌گانه دانش که در نظریه عمومی طنز کلامی مطرح شده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. همان‌طور که در بخش پیشین اشاره شد، منابع دانش در این نظریه به «زبان»، «نحوه بیان»، «هدف»، «موقعیت»، «سازوکار منطقی» و «تقابل انگاره» تقسیم می‌شوند که در بخش بعدی، تحلیل هر یک از این منابع، براساس داده‌های پژوهش، ارائه می‌شود.

۴. تحلیل داده‌ها

۴-۱. زبان

آتاردو (۲۰۰۱: ۲۷-۲۲) معتقد است روساخت متن طنز را می‌توان براساس سطوح آوایی، واجی، واژوواجی، ساختواژی، واژگانی و نحوی تحلیل کرد. او همچنین معتقد است که سایر منابع دانش، در سطح زبان، در هم تنیده می‌شوند و در نهایت، روساخت طنز عرضه می‌گردد. در نمونه‌های زیر، به معرفی این منبع دانش می‌پردازیم:

۴) هیچ وقت خانوما رو با کرونا تهدید نکنید. خانوما خودشون ویروسی دارن به نام غرونا که تا حالا میلیون‌ها مرد رو به کام مرگ کشونده! در نمونه (۴)، دو واژه «کرونا» و «غرونا» جفت‌های کمینه‌اند که در واج نخست با یکدیگر تفاوت دارند؛ بنابراین، در منبع دانش زبانی این جوک، سطح واجی مدنظر است.

۵) ای کسانی که با خیال راحت از ماسک فیلتردار استفاده می‌کنید، بدانید و آگاه باشید که کرونا در ایران مجهز به فیلترشکن است. در نمونه (۵)، «فیلتر» دارای خصیصه چندمعنایی^۱ است و می‌تواند در حوزه پزشکی و علوم رایانه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. با استفاده از کلمه «فیلترشکن» در این نمونه، عدم‌تجانس ایجاد می‌شود که نیاز به سازوکار شفاف‌سازی دارد؛ بنابراین، در منبع دانش زبانی این جوک، سطح واژگانی مدنظر است.

۲-۴. نحوه بیان

نحوه بیان نحوه شکل‌گیری و سازمان‌دهی متن جوک را، به‌لحاظ توزیع قسمت‌های آن، به‌همراه جایگاه دربردارنده «اوج طنز»^۲، توصیف می‌کند. بسیاری از جوک‌ها در قالب یک گفت‌وگو شکل می‌گیرند که غالباً یک «نقطه اوج» دارند. البته متن طنز می‌تواند یک روایت ساده داستانی، مکالمه و یا از نوع چیستان نیز باشد.

۶) آقای رئیس‌جمهور امروز گفت از کرونا هم عبور می‌کنیم، اما نگفت افقی یا عمودی!

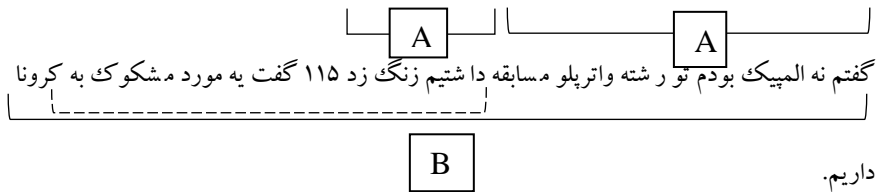
B

A

در نمونه (۶)، بخش A زمینه‌ساز رسیدن به نقطه اوج طنز، یعنی همان بخش B، است. در این نمونه، قسمت زمینه‌ساز تنها از یک بخش تشکیل شده، اما در نمونه ۷، همان‌طور که مشاهده می‌شود، قسمت زمینه‌ساز از یک زنجیره دوبرخی تشکیل شده است.

1. polysemy
2. punch line

۷) امروز از حموم اوادم بیرون با حوله و موهای خیس بابام پرسید حموم بودی؟



افزون بر اینکه ساختار جوک در نمونه فوق AAB است، بخش B در این نمونه، خود، به دو بخش جداگانه تقسیم می‌شود که هر یک به تنهایی می‌توانند نقش نقطه اوج طنز را ایفا کنند.

۳-۴. هدف

منبع دانش «هدف»، بیان می‌کند که چه کسی / چیزی، مورد هدف طنز است. این منبع دانش یک ویژگی اختیاری است؛ بدین معنا که نیازی نیست حتماً همه متون طنز دارای هدف باشند.

۸) آگه کرونا بره شیراز، همون دروازه قرآن می‌زنه بغل می‌خوابه، بعد سیل می‌برتش! در این نمونه، نه تنها هدف انسان است، بلکه فعالیت‌هایی مرتبط با او، یعنی مسئولان مربوط، را نیز شامل می‌شود.

۵-۴. موقعیت

منبع دانش «موقعیت» همان بافت موقعیتی در طنز است؛ یعنی مکان، زمان و نقش‌های معنایی مشارکاتی که در طنز حضور دارند.

۹) دیروز رفته بودم بانک سر کوچه. ده سال می‌شه مشتری اونجام. بهویی عطسه کردم. کارمندای بانک چنان توجهی بهم کردن که تو این ده سال نکرده بودن!

در نمونه بالا، «دیروز» به عنصر زمان اشاره دارد و «بانک سر کوچه» یادآور عنصر مکانی^۱ است؛ «کارمندان بانک» نقش کنشگر^۲ و «بهم [به من]» نیز نقش کنش پذیر^۳ را دارند.

۶.۴. سازوکار منطقی

منبع دانش «سازوکار منطقی» شیوه تحلیل عدم تجانس میان دو انگاره متقابل موجود در متن طنز را مشخص می کند. آتاردو و همکاران (۲۰۰۲) فهرست متنوعی از ۲۷ عنوان سازوکار منطقی ارائه داده اند که در نمودار (۱) و (۲) به آن ها اشاره شد. آنها سازوکارهای منطقی را در دو دسته کلان «ارتباط همنشینی»^۴ و «استدلال»^۵ تقسیم کرده اند. در اینجا، تلاش شده است تا نمونه هایی از زیرمجموعه های این دسته های کلان ذکر شود.

(۱۰) اوضاع آخر سال ۹۸ به سمتی پیش می رود که شب های جمعه اموات برای ما فاتحه می خوانند شادی روح زنده ها الفاتحه ...

«جابه جایی نقش»^۶ یکی از زیرمجموعه های ارتباط همنشینی به شمار می رود. در نمونه (۱۰)، نقش «مردگان» و «زندگان» جابه جا شده است.

(۱۱) یه زمانی دست تو دماغت می کردی بعدش باید دستت رو می شستی؛ الان بخوای دست تو دماغت کنی باید اول دستات رو بشوری.

از دیگر زیرمجموعه های ارتباط همنشینی می توان به «وارونه سازی»^۷ اشاره کرد. در این نوع سازوکار، جابه جایی عناصر جوک، به صورت وارونه ای، دو مفهوم مستقل معنادار ایجاد می کند. در نمونه (۱۱)، میان دو مفهوم شستن دست و پاک کردن بینی نوعی وارونه سازی صورت گرفته است.

-
1. location
 2. agent
 3. patient
 4. syntagmatic relationship
 5. reasoning
 6. role exchange
 7. chiasmas

۱۲) توالی بودم. بابام در زد، منم سرفه کردم که بفهمه کسی تو توالته؛ درو از اون ور قفل کرد، الانم از زیر در داره گاز آمونیاک می‌ده تو!!

«هم‌جواری»^۱ از دیگر زیرمجموعه‌های ارتباط همنشینی است. در این نوع سازوکار، با کنار هم قرار گرفتن رویدادهای جوک، ارتباط منطقی میان این رویدادها ایجاد می‌شود و مخاطب را به نتیجه مشخصی هدایت می‌کند. در نمونه (۱۲)، از این سازوکار استفاده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این مثال، هریک از اتفاقات ارتباط منطقی زنجیره‌ای با یکدیگر دارند.

۱۳) یه مردی نوشته بود از صبح سردرد دارم و استفراغ می‌کنم، خدا کنه حامله باشم.

«قیاس»^۲ از زیرمجموعه‌های استدلال است. در این نوع سازوکار، دو پدیده با مشخصات کاملاً متفاوت، تنها در یک خصیصه، اشتراک پیدا می‌کنند. در نمونه (۱۳)، مقوله «بارداری» ماهیتاً، در تمام مشخصات خود به‌جز علامت تهوع و استفراغ، با ویروس کرونا متفاوت است.

۷-۴. تقابل انگاره

تقابل انگاره یکی از منابع شش‌گانه دانش است که ابتدا، در نظریه «تقابل انگاره معنایی»^۳ راسکین (۱۹۸۵) مطرح شد. در این مقوله، دو انگاره معنایی در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. در واقع، این تقابل منجر به عدم تجانس می‌شود که به کمک سازوکار منطقی شفاف‌سازی صورت می‌پذیرد. راسکین (۲۰۱۷: ۱۱۲)، این تقابل‌های انگاره را به «واقعی /

1. juxtaposition
2. analogy
3. Semantic-Script Theory of Humor

غیرواقعی^۱، «هنجار / ناهنجار»^۲، «ممکن / ناممکن»^۳، «خوب / بد»^۴، «زندگی / مرگ»^۵، «جنسی / غیرجنسی»^۶ و «جایگاه بالا / جایگاه پایین»^۷ تقسیم می‌کند.

۱۴) کرونا به زلزله می‌گه: تو بیارشون بیرون من می‌گیرمشون می‌دم سیل ببره.
۱۵) وقتی ظرف محلول ضد عفونی کننده رو ضد عفونی می‌کنم، یاد تابع $f(x)$ می‌افتم.
در نمونه‌های بالا، به ترتیب، از تقابل انگاره «زندگی / مرگ» و «هنجار / ناهنجار» استفاده شده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار «اس‌پی‌اس اس ۲۴»^۸ (IBM Corp. Released 2016) انجام شده است. به نظر می‌رسد از میان منابع شش گانه دانش، که داده‌های این پژوهش براساس آن‌ها تحلیل شده است، می‌توان رابطه معنی‌داری میان دو منبع دانش «سازوکار منطقی» و «تقابل انگاره» تصور کرد؛ براین اساس، جدول زیر، شامل تمام زیربخش‌های مربوط، ارائه شده است. پس از آن، براساس رویکرد آمار تحلیلی آزمون خی دو^۹، به بررسی برهم‌کنش این دو متغیر پرداخته خواهد شد. فرض صفر این پرسش نبود رابطه معنی‌دار میان سازوکار منطقی و تقابل انگاره‌هاست.

-
1. actual/ non-actual
 2. normal/ abnormal
 3. possible/ impossible
 4. good/bad
 5. life/death
 6. sex/no-sex
 7. high stature/ low stature
 8. SPSS
 9. Chi-Square

جدول ۲. توزیع تعدادی جوک‌ها از منظر «سازوکار منطقی» و «تقابل انگاره»

مجموع	سازوکار منطقی					تقابل انگاره
	فرا	ارتباطات مستقیم فضایی	جابه‌جایی	غلط	صحیح	
۲۰	۰	۰	۱۱	۲	۷	واقعی / غیرواقعی
۲۷	۰	۱۳	۵	۳	۶	خوب / بد
۱۲	۱	۴	۲	۱	۴	جایگاه بالا / پایین
۲۲	۰	۷	۸	۳	۴	زندگی / مرگ
۱۱	۰	۲	۴	۰	۵	هنجار / ناهنجار
۸	۰	۰	۲	۲	۴	ممکن / ناممکن
۸	۰	۱	۰	۱	۶	جنسی / غیر جنسی
۱۰۸	۱	۲۷	۳۲	۱۲	۳۶	مجموع

نتیجه آزمون خی دوی پیرسون^۱ با سطح معنی داری^۲ ۰،۰۰۱۳^۲، مقدار ۴۲،۰۲۴ به دست آمد: $X^2(24, N = 108) = 42.024, p < .05$. این عدد به معنی وجود ارتباط معنی دار میان سازوکار منطقی و تقابل انگاره است، زیرا سطح معنی داری کمتر از ۰،۰۰۵ است؛ بدین ترتیب، نمی‌توان فرض صفر را قبول کرد و در نتیجه، می‌توان گفت که میان این دو متغیر، رابطه معنی داری وجود دارد (آگرستی^۳، ۲۰۱۸). شدت ارتباط میان این دو متغیر مطابق آزمون کرمر^۴ در حد بسیار قوی^۵ (۰،۳۱۲) است ($\phi_c=0.312, p<0.05$) (Akoglu, 2018). همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، به ترتیب، سه تقابل انگاره «خوب / بد»، «مرگ / زندگی»، «واقعی / غیرواقعی» بالاترین فراوانی وقوع را در ساخت جوک‌های مربوط

1. Pearson Chi-Square: Pearson, K. (1900). X. On the criterion that a given system of deviations from the probable in the case of a correlated system of variables is such that it can be reasonably supposed to have arisen from random sampling. The London, Edinburgh, and Dublin Philosophical Magazine and Journal of Science, 50(302), 157-175.

2. P-value

3. Agresti, A.

4. Cramér, V.

5. Very Strong

به کووید ۱۹ دارد. نگارندگان معتقدند گستردگی و عمق آثار و تبعات ویروس کووید ۱۹ بر تمام جنبه‌های زندگی بشر به گونه‌ای است که وضعیت و کیفیت زندگی را از ابعاد مختلف همچون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و سلامت، دستخوش تغییرات نابسامان کرده و در نتیجه، وضعیت بد با وضعیت خوب در تقابل قرار گرفته است؛ بنابراین، طبیعی است که عمدهٔ جوک‌های ساخته‌شده از تقابل انگاره‌ای خوب و بد استفاده کنند. همچنین، ویروس کووید ۱۹، به‌عنوان یک بیماری دنیاگیر، منجر به مرگ شمار زیادی از بیماران شده و استفاده از تقابل انگاره‌ای «مرگ/ زندگی» امری اجتناب‌ناپذیر است. افزون بر این، موضوع بیماری پدیده‌ای انتزاعی است و برای روشن شدن بهتر وضعیت نابسامان این بیماری، انتشاردهندگان جوک از استعاره‌های مفهومی^۱ و نیز ادغام مفهومی^۲ استفاده کرده‌اند و با بهره‌گیری از تقابل انگاره‌ای «واقعی/ غیرواقعی»، سعی در ملموس کردن شرایط موجود برای افراد جامعه داشته‌اند.

دومین پرسشی که پژوهشگران به دنبال پاسخگویی به آن بوده‌اند بررسی رابطهٔ احتمالی معنی‌داری میان نوع جوک و سازوکار منطقی است و فرض صفر پرسش نبود رابطهٔ معنی‌دار میان سازوکار منطقی و نوع جوک است.

جدول ۳. توزیع تعدادی جوک‌ها از منظر «سازوکار منطقی» و «تقابل انگاره»

مجموع	مذهبی	سیاسی	خشتی	جنسی	قومیتی	بافت جوک
						سازوکار منطقی
۳۶	۴	۲	۲۴	۶	۰	صحیح
۱۲	۳	۲	۵	۲	۰	غلط
۳۲	۵	۱	۱۸	۲	۶	جابه‌جایی
۲۷	۴	۲	۱۹	۲	۰	ارتباطات مستقیم فضایی
۱	۰	۰	۱	۰	۰	فرا
۱۰۸	۱۶	۷	۶۷	۱۲	۶	مجموع

1. conceptual metaphor
2. conceptual blending

نتیجه آزمون خی دوی پیرسون با سطح معنی داری ۰,۱۳۴ مقدار ۲۲,۳۰۴ به دست آمد:
 $X^2(16, N = 108) = 22.304, p = 134$

این به معنی نبود ارتباط معنی دار میان سازوکار منطقی و نوع جوک است، زیرا سطح معنی داری بالاتر از ۰,۰۰۵ است؛ یعنی فرض صفر مورد تأیید است و در نتیجه، این دو متغیر از یکدیگر مستقل هستند.

سومین پرسشی که پژوهشگران به دنبال پاسخگویی به آن هستند بررسی رابطه احتمالی معنی داری میان نوع جوک و تقابل انگاره است. فرض صفر پرسش عدم وجود رابطه معنی دار میان نوع جوک و تقابل انگاره است.

جدول ۴. توزیع تعدادی جوک‌ها از منظر «تقابل انگاره» و «نوع جوک»

تقابل انگاره	نوع جوک	قومیتی	جنسی	خشتی	سیاسی	مذهبی	مجموع
واقعی / غیرواقعی	۶	۲	۹	۱	۲	۲۰	
خوب / بد	۰	۲	۱۹	۰	۶	۲۷	
جایگاه بالا/پایین	۰	۰	۱۰	۱	۱	۱۲	
زندگی / مرگ	۰	۰	۱۳	۵	۴	۲۲	
هنجار / ناهنجار	۰	۰	۹	۰	۲	۱۱	
ممکن / ناممکن	۰	۰	۷	۰	۱	۸	
جنس / غیر جنسی	۰	۸	۰	۰	۰	۸	
مجموع	۶	۱۲	۶۷	۷	۱۶	۱۰۸	

نتیجه آزمون خی دوی پیرسون با سطح معنی داری کمتر از ۰,۰۰۱ مقدار ۱۱۳,۸۸۲ به دست آمد:
 $X^2(24, N = 108) = 113.882, p < .01$

این به معنی وجود ارتباط معنی دار میان نوع جوک و تقابل انگاره است، زیرا سطح معنی داری کمتر از ۰,۰۰۱ است؛ یعنی نمی توان فرض صفر را قبول کرد و در نتیجه، میان این دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد. شدت ارتباط میان این دو متغیر مطابق آزمون کرمر در حد بسیار قوی (۰/۵۱۳) است ($\phi_c=0.513, p<0.01$).

باتوجه به نتایج بیان شده در جدول ۳، به ترتیب، سه نوع جوک «خنثی»، «مذهبی» و «جنسی» بالاترین بسامد وقوع را دارند. به نظر می رسد موضوع بیماری کووید ۱۹ و دنیاگیری و گستردگی آن در رسانه‌ها به اندازه کافی از جذابیت و برانگیختگی برخوردار است؛ بنابراین تعداد زیادی از جوک‌ها در این پژوهش از نوع «خنثی» هستند. شروع این بیماری از شهر قم، به عنوان نماد یکی از شهرهای مذهبی ایران، کانون توجه گویندگان جوک قرار گرفت و از طرف دیگر، بر اثر شیوع این بیماری، بسیاری از فرایض دینی، همچون نماز جمعه و نماز جماعت مساجد، موقتاً برگزار نشد و تمام اماکن متبرکه تعطیل شدند؛ این امر بسیار اتفاق نادری بود و در نتیجه، بسیاری از جوک‌ها با موضوع مذهبی ساخته شد و گسترش یافت. موضوع «جنسی»، به دلیل تابو بودن در همه فرهنگ‌ها، نقش بسزایی در شکل‌گیری انواع جوک‌ها داشته است و پژوهش حاضر از این موضوع مستثنی نبوده است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Vahid Tavoli

 <http://orcid.org/0000-0002-4169-6820>

Shahram Modarres Khiabani

 <http://orcid.org/0000-0001-6022-5306>

Bahram Modarresi

 <http://orcid.org/0000-0002-3652-2121>

Farideh Mohseni Hanji

 <http://orcid.org/0000-0002-5450-8040>

منابع

بای، علی. (۱۳۹۵). مقایسه نظریه‌های طنز زبان‌شناسی در طنز مطبوعاتی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

پارسائیان، فهیمه. (۱۳۹۸). قبلاً مملکت رو هوا بود الان افتاده رو آب ...: تحلیل محتوایی جوک‌های مجازی حادثه سیلاب فروردین ماه ۱۳۹۸. فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۵(۱۸)، ۳۱۶-۲۸۵.

تربتی، سروناز و مهدوی، مهران. (۱۳۹۷). تحلیل گفتمان انتقادی جوک در خصوص توافق هسته‌ای؛ بازنمایی توافق هسته‌ای در جوک فارسی. فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، ۴(۱۵)، ۱۴۶-۱۱۱.

جلالی، مریم. (۱۳۹۶). وجوه ابهام نحوی در ساختار طنزهای رساله دلگشا با تکیه بر تئوری فونازی. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۷(۲)، ۳۷۶-۳۵۵.

- زارع‌پور، سرور. (۱۳۹۵). *بازنمایی جنسیت زنانه در لطیفه‌ها: مطالعه شبکه‌های اجتماعی مخصوص تلفن همراه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان.
- زمانیان، ناصر. (۱۳۸۶). *نقش ابهام در لطیفه‌های زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- شریعت‌پناه، شاداب. (۱۳۹۲). *تحلیل گفتمان و غوغ‌سأهاب بر پایه نظریه عمومی طنز کلامی و رویکرد اجتماعی-شناختی ون دایک*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- فرقانی، محمدمهدی و عبدی، سید عیسی. (۱۳۹۵). *بازنمایی زن در جوک‌های جنسیتی؛ تحلیل گفتمان جنسیتی در مورد زنان در شبکه‌های موبایلی*. *مطالعات فرهنگ ارتباطات*، ۱۷(۳۳)، ۵۲-۳۱.
- کرامتی یزدی، سریرا. (۱۳۸۸). *توصیف و بررسی طنز در مطبوعات زبان فارسی از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۸۸ براساس رویکردهای کاربردشناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- محرابی، حجت و مدرس خیابانی، شهرام. (۱۳۹۱). *بررسی عوامل زبانی مؤثر در شکل‌گیری طنز کلامی، مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران*، ۷۱۲-۷۲۳.

References

- Agresti, A. (2018). *An introduction to categorical data analysis*. John Wiley & Sons.
- Akoglu, H. (2018). User's guide to correlation coefficients. *Turkish journal of emergency medicine*, 18(3), 91-93.
- Attardo, S. (2001). *Humorous texts: A semantic and pragmatic analysis*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Attardo, S. (2005). Review of Philip Glenn, *laughter in interaction*, 2003. Cambridge: Cambridge University Press. *Humor: International Journal of Humor Research*, 18(4), 422-429.
- Attardo, S. (2008). A primer for the linguistics of humor. V. Raskin (Ed.), *The Primer of Humor Research*, 101-156. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Attardo, S. (2017). The General Theory of Verbal Humor. *The Routledge Handbook of Language and Humor*, S. Attardo (Ed.), 126-142. Routledge.
- Attardo, S., & Raskin, V. (1991). Script theory revis(it)ed: Joke similarity and joke representation model. *Humor: International Journal of Humor Research*, 4(3/4), 293-347.
- Attardo, S., Hempelmann, C. F., & Di Maio, S. (2002). Script oppositions and logical mechanisms: Modeling incongruities and their resolutions. *Humor: International Journal of Humor Research*, 15(1), 1-44.

- Brône, G., Feyaerts, K., & Veale, T. (2006). Introduction: Cognitive linguistic approaches to humor. *Humor: International Journal of Humor Research*, 19(3), 203–228.
- Cramér, V. (1946). *Mathematical Methods of Statistics*. Princeton: Princeton University Press, page 282 (Chapter 21. The two-dimensional case).
- Davies, Ch. (2003). Electronic Humor about Disasters. *Of Corpse, Death and Humor in Folklore and Popular Culture*, Peter Narvaez (ed.), 15–34. Logan: Utah State University Press.
- Di Maio, S. (2000). *A structured database for computational humor* (unpublished doctoral dissertation). Università degli studi di Siena, Italy.
- Hempelmann, C. F., & Attardo, S. (2011). Resolutions and their incongruities: Further thoughts on logical mechanisms. *Humor: International Journal of Humor Research*, 24(2), 125–149.
- IBM Corp. Released (2016). *IBM SPSS Statistics for Windows*, Version 24.0. Armonk, NY: IBM Corp.
- Mifdal, M. (2016). Digital politics on Facebook during the Arab Spring in Morocco: Adaptive strategies of satire relative to its political and cultural context. *European Journal of Humor Research*, 4 (3), 43–60.
- Oaks, D. D. (2010). *Structural ambiguity in English*. London: Continuum.
- Raskin, V. (1985). *Semantic mechanisms of humor*. Dordrecht-Boston-Lancaster: D. Reidel.
- Raskin, V. (2017). Script-based semantic and ontological semantic theories of humor. *The Routledge handbook of language and humor*. S. Attardo (Ed.), 109–125. New York: Routledge.
- Rozin, P., Rozin, A., Appel, B. & A. Wachtel, C. (2006). Documenting and explaining the common AAB Pattern in music and humor: Establishing and breaking expectations. *Emotion*, 6(3), 349–355.
- Ruch, W., Attardo, S., & Raskin, V. (1993). Towards an empirical verification of the general theory of verbal humor. *Humor: International Journal of Humor Research*, 6(2), 123–136.
- Bai, A. (2016). *A comparison among theories of linguistic humour in Iran's press humour*. Unpublished Master's dissertation, University of Tehran. [In Persian].
- Forqani, M., & Abdi, S. (2016). The representation of women in sexual jokes: Gender-related discourse analysis about women in social media. *The cultur of relations journal*, 17(33), 31-52. [In Persian]

- Jalali, M. (2017). Syntactic ambiguity aspects in Delightful Epistle based on the Fonagy theory. *Linguistic studies in foreign languages publication*, 2(6), 355-376. [In Persian].
- Keramati Yazdi, S. (2009). *A description and analysis on humour in Persian press from 1994 to 2009 based on pragmatic approaches*. Unpublished Master's dissertation, Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian].
- Mehrabi, H., & Moddares Khiabani, Sh. (2012). A survey on the effective linguistic factors in forming verbal humour. *Published articles of the 8th Iran Linguistics Conference*. [In Persian].
- Parsaian, F. (2019). The nation used to be in the air, now it is in the water ... : A content analysis of online jokes related to the flood of March, 2019, *Modern media studies periodical*, 5, 285-316. [In Persian].
- Shariatpanah, Sh. (2013). *A discourse analysis on "Vaq Vaq Sahab" based on General Theory of Verbal Humour and Van Dijk socio-cognitive approach*. Unpublished Master's dissertation, Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian].
- Torbati, S., & Mahdavi, M. (2018). A critical discourse analysis on nuclear agreement; the manifestation of nuclear agreement in Persian jokes, *Modern media studies periodical*, 4(15), 111-146. [In Persian].
- Zamanian, N. (2007). *The role of ambiguity in Persian jokes*. Unpublished Master's dissertation, University of Tehran. [In Persian].
- Zarepour, S. (2016). *The representation of female gender in jokes: A study on social media in cell phones*. Unpublished Master's dissertation, University of Kashan. [In Persian].

استناد به این مقاله: طاوولی، وحید، مدرس خیابانی، شهرام، مدرس، بهرام، محسنی هنجی، فریده. (۱۴۰۰). طنز در دوره بحران؛ طنزهای مربوط به بیماری کووید ۱۹ از منظر نظریه عمومی طنز کلامی. *علم زبان*، ویژه‌نامه کرونا، سال ۸، ۳۱-۵۶.

Doi: 10.22054/ls.2020.53580.1354



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.